



صله رحم اعمال را تزکیه می کند/ چطور می شود دروغ را جبران کرد؟

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر مشروح سخنرانی آیت الله جاودان در شب ۱۹ ماه مبارک رمضان امسال است که از نظر می گذرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر مشروح سخنرانی آیت الله جاودان در شب ۱۹ ماه مبارک رمضان امسال است که از نظر می گذرد.

أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ) وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ سَيِّمًا بَقِيَةِ اللَّهِ فِي الْعَالَمِينَ أَرْوَاحُنَا وَ أَرْوَاحِ الْعَالَمِينَ لِثَرَابِ الْمَقْدَمَةِ الْفِدَاءِ وَ لَعْنَةِ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ

خدای متعال باز یک سال دیگر به ما عمر داد و باز یک شب نوزدهمی را درک کردیم و خدمت شما رسیدیم. امیدواریم که این مرحمت و عنایت را باز هم، تکرار بفرماید و سال های بیشتری هم خدمت تان برسیم و هم به عافیت باشد. مطلب دوم اینکه شب ها، شب های قدر است. شب های قدر، شب هایی است که سرنوشت آدمی برای تمام یک سال برای آدم تعیین می شود. اگر آدم در خانه خدا تضرع بیشتری بکند و توسل بیشتری به ائمه و اولیاء دین بکند، امیدواریم که سال ها و روز های بهتری را در انتظار داشته باشد.

توسل، توجه، دعا و تضرع در خانه خدا می تواند بر سرنوشت یک سال ما تاثیر جدی بگذارد. این سه شب می تواند مشخص کند تمام سال آدم چگونه باشد. حرف سوم این است که این شب ها، شب های دعا و توبه است. اگر در این شب ها توبه کنیم، از همه شب های دیگر امید بخشایش بیشتری وجود دارد. از همه شب ها و روزهای دیگر امید بخشایش بیشتر وجود دارد. اگر آدم تصمیم بگیرد که فقط یک گناه را از زندگی اش حذف کند، این توبه کننده حساب می شود. ممکن است حتی به برکت این کسی که جدا برای توبه تصمیم گرفته است، دعای همه جمعیت برآورده شود. حتی یک توبه کننده. حالا غیر از اینکه سرنوشت خود او عوض می شود، حتی برای ما هم تاثیر بگذارد.

حالا اگر همه جمعیت تصمیم بگیرند یک گناه را کنار بگذارند. همه جمعیت یک گناه. یا اگر همت بیشتری دارند، برای همه آنچه که خدا راضی نیست تصمیم بگیرند. این ممکن است. شیطان آدم را می ترساند. از کارهایی که شیطان می کند می ترسند. می گوید نمی شود. اصلا امکان ندارد. تو نمی توانی. تو زورت نمی رسد. مگر می شود؟ می ترسند. فقط می ترسند. یعنی دروغ است. سخن او دروغ است. اگر آدم با توکل بر خدا، اگر آدم با توکل بر خدا توبه کند، [می شود].

توکل بر خدا یعنی چه؟ یعنی خدایا من می دانم خودم توانایی این کار را ندارم. تو می توانی. این را هر وقت بگویند و راست بگویند، آن کار حتما می شود. حالا مثال عرض می کنم. دو بعد از نصفه شب خوابیده اید. مثلا می خواهید یک ساعت دیگر بیدار شوید سحری بخورید و نماز صبح تان را بخوانید. خب به طور طبیعی آدمی که خسته است، بخوابد دیگر بیدار نمی شود. اما اگر من به طور جدی بگویم خدایا من نمی توانم. تو می توانی. من از خودم ناامیدم. امیدم به تو است. اگر آدم اینطور بخوابد [بیدار می شود]. این را مثال عرض کردم.

این برای همه زندگی هست. هر جا آدم بر خدا توکل کند، هر جا، اصلا مطلقا استثنا ندارد. [در آیه ۳ سوره طلاق می فرماید:] وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ. هر کس که بر خدا توکل کند، خدا او را کفایت می کند. هیچ چیز دیگری احتیاج ندارد. لازم ندارد هیچ کمکی برای ترک گناه بگیرد. اگر آدم با توکل بر خدا ترک گناه کند و تصمیم بر ترک گناه بگیرد، داند خدایا تو می توانی. تو می توانی به من کمک کنی. می شود. همه جمعیت ما، همه جمعیت مردم تهران، همه جمعیت مردم عالم اگر همینجور توکل کنند، می شود. جهانی که بدون گناه باشد بهشت می شود. در این عالم نمی شود بهشت درست کرد. اما می شود. اگر آدمیان همت کنند.

صله رحم و همسایه خوب

بحثی که امشب می‌خواهیم عرض کنیم درمورد صله رحم است. ببینید کسی نیست که باشد و هیچ کسی را نداشته باشد. مثلا در ده هزار نفر ممکن است یک نفر باشد. یک نفر است نه پدر دارد. نه مادر دارد. یعنی پدر و مادرش از دست رفته اند. ولو کسی که پدر و مادرش از دست رفته اند هم باز صله رحمش باقی است. حالا می‌خواهیم بگوییم اصلا نمی‌شود. فرض ندارد کسی وظیفه صله رحم را نداشته باشد. حالا ببینید صله رحم چه می‌کند. حدیث اول. حضرت صادق(ع) فرمود *صِلَةُ الرَّحِمِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ*. یک وظیفه دیگر را هم فرموده اند که حالا عرض می‌کنم. *يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ*. صله رحم و همسایگی خوب، با همسایگان خوش رفتار بودن.

نه اینکه او ده برابر به من خوبی می‌کند و من یک برابر خوبی کردم. نه. حتی می‌گویند اگر او بدی می‌کند، [تو خوبی کن]. نه اینکه اگر او بدی می‌کند، من بدی نمی‌کنم. نه. حتی اگر او بدی می‌کند، من خوبی می‌کنم. دوتا وظیفه فرمودند. *صِلَةُ الرَّحِمِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ*. همسایگی خوب. *يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ*. شهرها را آباد می‌کند. و *يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ*. عمرها را زیاد می‌کند. شما یک سلام به خویشاوندت کردی. کوشیدی شما زودتر سلام کنی. این صله رحم است. یک مثالش است. این عمرت را دراز می‌کند. شهرها را آباد می‌کند. یک کشور آباد می‌شود. به خاطر اینکه مردمش صله رحم می‌کنند.

لازم است اینها مسلمان هم باشند؟ نه. آدم‌های خوبی باشند؟ نه. صله رحم خاصیت دارد. اگر مسلمان باشد، آن وقت در موارد بعدی می‌بینیم که چه آثار خوبی نسبت به آن عالم دارد. روایت دوم: قال ابا عبدالله عليه السلام. باز حضرت صادق علیه الصلاه و السلام فرمود *صِلَةُ الرَّحِمِ تَهْوُنُ الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ*. روز قیامت پنجاه هزار سال است. یعنی پنجاه موقف. هر موقفی هزار سال است. ما می‌گوییم و شما هم می‌شنوید و یک مقداری آدم خیلی جدی حسابش نمی‌کند و... پنجاه هزار سال یعنی چه؟ می‌فرماید که حساب سهل می‌شود.

موقف اول موقف نماز است. باید هزار سال شما را در موقف نماز نگاه دارند تا جواب بدهی که روز اول تکلیف نماز صحبت را چگونه خواندی. می‌گوییم من اصلا غسل را بلد نبودم. پدر و مادرم به من یاد نداده بود؟ چه کسی است که پدر و مادرش غسل را به او یاد داده باشند؟ شما در این جمعیت بگویید. پدر و مادر غسل را به فرزندش آموخته باشد. از اول تکلیف. حالا که تکلیف های دوازده ساله داریم. دوازده سالش است تکلیف شده. نه خودش می‌داند و نه پدر و مادرش می‌دانند. راحت. می‌گذرد. سه سال نماز نخوانده. مثلا اگر پانزده سال را بدانند. سه سال نماز نخوانده و سه سال روزه نگرفته. خب سخت می‌شود.

ببینید نماز را من فقط قضایش را می‌خوانم. روزه را چکار کنم؟ من روزه را عمدا خودم ام. چون نمی‌دانستم. حالا ممکن است به خاطر ندانستن یک راه نجاتی باشد. قضایش. خب من باید سه ماه روزه قضا بگیرم. چه کسی همت می‌کند؟ سخت است. *صِلَةُ الرَّحِمِ تَهْوُنُ الْحِسَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ*. صله رحم حساب روز قیامت را سهل می‌کند. یک داستانی را نقل می‌کنند. می‌گویند حضرت پیامبر مثلا دو درهم را به سلمان دادند. دو درهم هم به ابوذر دادند. گفتند بروید. فردا آمدند. یک سینی را روی آتش گذاشته بودند. سلمان برو بایست جواب بده که دو درهم را چکار کردی؟ می‌خواهم سهل و سخت را عرض کنم. او روی آن سینی ایستاد و گفت این دو درهم را دم در به فقیر دادم. برو پایین. حسابت تمام شد. آقای ابوذر زن و بچه دار بود. گفت آقا این مقدار سبزی خریدم. این مقدار نان خریدم. مثلا این مقدار بدهکار بودم پس دادم، خب طول کشید.

کارهای درست را هم از من حساب می‌کشند

می‌خواهم بگویم سهل و سخت چیست. ببینید هیچ کار خلافی نکرده بود. همه کارهایش درست بود. حساب مال کارهای درست هم هست. یعنی کارهای درست را هم از من حساب می‌کشند. اگر همه اش وظیفه ات را انجام دادی، راحت هستی. آمد پای حساب می‌گوید خدایا من وظیفه ام را انجام دادم. برو. اصلا حساب ندارد. این آدم اصلا حساب ندارد. صله رحم حساب را سهل می‌کند. به سهولت از شما حساب می‌کشند و عبور می‌کنی. پنجاه هزار سال است. اصلا شوخی نیست.

وَهِيَ مَتَسَاءَةٌ فِي الْعُمْرِ. گرفتن جان عقب می‌افتد. آنجا چه عرض کردیم؟ *يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ*. عمر دراز می‌شود. عمر زیاد می‌شود. ببینید باز این را هم نگفتیم. حالا آن *تَهْوُنُ الْحِسَابَ* مال آدم مومن است. مال آدم درست است. اینهای دیگرش شرط ندارد که مسلمان و مومن باشد. هرکس صله رحم کند ثمر دارد. هرکس. و *تَقَى مَصَارِعَ السَّوْءِ* آدم بد زمین نمی‌خورد.

می‌فرماید *صَدَقَةُ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ*. اگر کسی شبانه و در تاریکی شب که هیچ کس نمی‌بیند صدقه بدهد، چیز خوبی است. آدم در کوچه عبور می‌کند. هیچ کس هم نیست. کوچه هم تاریک است. یک پولی به صدقه می‌اندازد. این غضب پروردگار را که در اثر گناهان بد من غضب کرده است فرو می‌نشانند. حتی درمورد صدقه گفته اند یک جوری صدقه بده که اگر با دست راست صدقه دادی، دست چپت خبردار نشود. انقدر پنهان. حالا من این را تعبیر و تفسیر می‌کنم به اینکه شما صدقه می‌دهی و خودت هم یادت می‌رود. اگر خودت یادت رفت... عمل خوبی که آدم یادش برود برایش می‌ماند. یک وقت یک آقایی گفت من سی بار به کربلا رفتم. من خیلی ناراحت شدم. تو چرا انقدر شمردی؟

حضرت صادق علیه السلام. **إِنَّ صَلَةَ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ**. می گویند اعمال شما را تزکیه می کند. یعنی شما نماز می خوانی، به برکت صله رحم نمازت خوب می شود و اگر خوب شد، قبول می شود. اعمال را تزکیه می کند. خیلی است. **تُزَكِّي الْأَعْمَالَ**. اعمال خوب آدم که ما نمی دانیم چقدر قیمت دارد. اگر خوب باشد و مورد پسند باشد قیمت دارد. به برکت صله رحم عمل شما خوب و پسندیده می شود.

تُثْمِي الْأَمْوَالَ؛ اموال آدم رشد می کند. نمو می کند. برکت می کند. حالا اگر شما اداره ای هستی، اگر بخواهی مالت برکت داشته باشد، چکار کنی؟ کارت را درست انجام بده. کارت را درست انجام بده. کارمند خدمتگزار مردم است. از بیت المال حقوق می گیرد. این بیت المال یا پول نفت است. نفتی که ایران دارد حداقلش مال تک تک افراد این کشور است. هرکس مسلمان است، در این پول نفت شریک است. خب بخشی از بیت المال این است. بخشی هم مالیات است. تو خدمتگزار مردم هستی. پول می گیری که خدمت کنی. اگر آدم قیامت را قبول داشته باشد، خیلی کارها را نمی کند. همان حساب که عرض کردیم. اموال آدم برکت پیدا می کند. رشد می کند.

باز در عبارت بالا داشتیم **تَهْوَنُ الْحِسَابَ**. اینجا در ادامه می فرماید: **تَيْسِّرُ الْحِسَابَ**. حساب را سهل می کند. باز داستان پنجاه هزار سال را حساب کنید. احتمالا جاهای دیگر هم متعدد این داستان را نقل کرده ام. می گویند یک کسانی سر از قبر برمی آورند و به بهشت پرواز می کنند. سر از قبر در می آورد و به بهشت پرواز می کند. چرا پرواز می کند؟ ماموران بهشت از آنها سوال می کنند شما که هستید؟ می گوید ما جهنمی ندیدیم. صراط دیدید؟ ما از صراط نگذشتیم. کسی از شما حساب کشید؟ ما حساب ندیدیم. مگر شما چکار کرده بودید؟ می گویند ما دو خصلت داشتیم. دقت کنید یکی اینکه در خلوت از خدا می ترسیدیم. در خلوت. ما در خلوت از خدا می ترسیدیم. دوم به قسمت راضی بودیم. شما شهر را بگردید ببینید چند نفر هستند به قسمت راضی اند.

شما خیلی هم با عرضه ای. اما یک وقت کار برای آدم با عرضه هم نمی گردد. حالا به هر دلیلی. مثلاً خدایی نکرده نمازش را مهم نمی داند. نمازش برایش بی اهمیت است. زندگی آدم عوض می شود. اگر کسی نمازش برایش مهم باشد، نمازش اول وقت باشد، فرق می کند. حالا به هر دلیلی. مثلاً فرض کنید که صله رحم ندارد. مثلاً نسبت به پدرش قطع رحم دارد. یک دوستی داریم. می گفت که اوقات من از اهل خانه مان تلخ است. خب نمی شود. نمی شود شما نسبت به پدر و مادرت عصبانی باشی. نمی شود. عرض کردم اگر پدر و مادر به شما ظلم هم کرده باشند، شما نمی توانی نسبت به او به غضب نگاه کنی. اگر به صورتش به غضب نگاه کنی، باختی. تند و بلند صحبت کنی، باختی. او ظلم کرده. باشد. قانونش این است.

نمی شود با پدر و مادر جنگید. نمی شود بی ادبی کرد. نمی شود بی احترامی کرد. نمی شود حالا وقتی از دنیا رفتند فراموش شان کرد. من سالی یک بار سر قبرشان می روم. نمی شود. همه اینها در زندگی شما و در زندگی خودت [تاثیر می گذارد]. حالا غیر از اینکه پسر و فرزندت وقتی بزرگ شد آنچه که تو با پدر و مادرت کردی را چند برابر [می کند؟] من یک وقت هایی خودم به حساب خودم می گفتم آن فرزند ده برابر با تو می کند. اصلاً این را هم نمی گوئیم. من اصلاً بچه ندارم. زندگی آدم با خدمت به پدر و مادر آباد می شود. همان که گفتند صله رحم آباد می کند. راس صله رحم پدر و مادرند.

صله رحم بلا را دور می کند

وَتَدْفَعُ الْبَلَاءَ بلا را از آدم دور می کند. یک چیزی باید بلا را از آدم دور کند. خدمت به پدر و مادر بلا را از آدم دور می کند. دست مادرت را ببوسی، بلا را از شما دور می کند. **تَدْفَعُ الْبَلَاءَ** بلا را از آدم دور می کند. **وَتَزِيدُ فِي الرِّزْقِ**. آنجا فرمودن اموال رشد می کند. اموال رشد می کند. اینجا هم همان را می گویند. رزق آدم زیاد می شود. رزق شما در این شب های احیا مقدر می شود. در سال آینده وضع مالی شما چگونه باشد. چقدر بهره مند شوی. رزق. از مال خودت چقدر بهره مند شوی. خیلی هستند خیلی هم مال دارند و بهره مند هم نمی شوند.

می شود آدم مال داشته باشد و خودش بهره نبرد. وای به حال اینکه من از حرام جمع کرده باشم و خودم هم نخورده باشم و به دست بچه ها رسیده باشد. بچه ها چه می دانند این پول ها از کجاست؟ برای آنها حلال است. آنها نباید حساب حرام و حلالی اش را بدهند. من باید حساب حرام بودنش را بدهم. آنها سودش را می برند.

همه ما کم و زیاد از این مشکل برخورداریم. هیچ کس حساب کار خودش را نمی کند. یک طلبه جوانی بود به یک بزرگی برخورد کرده بود. عموی ایشان هم مرد خیلی بزرگی بود. عمویش گفت که نمی خواهد حرف های آن آقای بزرگوار را گوش بدهی. این

که من می گویم را انجام بده. گفت شب که می خوابی یک تسبیح دستت بگیر. بگو من صبح که از خانه بیرون آمدم چشمم به یک نامرحم افتاد و یک دقیقه معطل شدم. چشم افتاد که گناه ندارد. اما معطل شوی چه؟ چشم من یک دقیقه در آن صورت متوقف شد. یک. بعد هم رفتم و با دوستم برخورد کردم. اول من باید سلام کنم. ادب این است دیگر. هرکسی اول سلام کند صوابش چقدر است؟ فرمودند چقدر صواب آن کسی است که پیش سلام می شود. پیش سلام شدن مستحب است. این مستحبی است که صوابش از واجب خودش بیشتر است. جواب سلام واجب است و سلام کردن مستحب است. صواب این مستحب مثلا ده برابر آن واجب است. به این کار ندارم. من باید پیش سلام شوم. کوتاهی و تنبلی کردم. بشمار. هر وقت تمام شد می گذاری زمین و می خوابی.

جوان هم راحت می خوابد دیگر. بی خیال. فردا شب هم بشمار. در طول روز هم مواظبت می کردی. دیشب شمرده ام دیگر. مثلا نگاه به نامحرم را شمرده ام. مثلا خدایی نکرده اگر دروغ گفته ام شمرده ام. اگر غیبت کرده ام شمرده ام. عددهایش معلوم است. فردا سعی می کنم که کمتر باشد. اگر آدم این کار را بکند، ممکن است همت پیدا کند، همت پیدا کند و کم کند. اگر حساب کند. اگر نه، آزاد است که آزاد است. اصلا آدم یادش هم نیست. خدایی نکرده یک وقت آدم عاقبت به شر می شود.

می گویند یک مرد عالم و زاهد بزرگی از زاهدان و عابدان قدیم عمرش شصت و پنج سال شده بود. خب حساب کرد که من در پانزده سالگی بالغ شده ام. پنجاه سال است. پنجاه تا سیصد و شصت و پنج روز است. مثلا. حساب کرد و گفت اگر من در طول این مدت فقط روزی یک گناه کرده باشم، چه چیزی می شود! یک وقت شما خدایی نکرده یک گناهی کردی. اگر جبرانش کردی [خوب است]. اگر جبران نکردی، می ماند. در دستگاه های حقوقی یک قانون دارند. مثلا این شامل مرور زمان می شود. این دروغی که من اول روز پانزده سالگی گفتم شامل مرور زمان نمی شود. من باید این را حل کرده باشم. باید جبران کرده باشم.

جبران دروغ چیست؟

جبران دروغ چیست؟ اگر مثلا به یک نفر یک ضرری خورده، باید یک رضایتی از او بگیرم. اگر هم نه، فقط یک حرفی زدم که دروغ بوده، مشکل را بین خودم و خدای خودم حل کنم. مثلا فرض کن شب نوزدهم یا شب بیست و یکم به شرطی که خواب نباشم، شب نوزدهم، شب بیست و یکم یا بیست و سوم، در خانه خدا واقعا، واقعا توبه کنم. آقا توبه یعنی چه؟ اولش این است که این کاری که می کردم را دیگر نمی کنم. سابقا گاهی دروغ می گفتم. الان دیگر نمی گویم. دروغ را کنار گذاشتم. جدی. ثانيا پشیمانم. از کرده گذشته خودم پشیمانم. این یک توبه است. توبه درست. حالا بیشتر هم هست. ممکن است آدم کارهای بیشتری هم انجام دهد.

یک فرمایشی از امیرالمومنین نقل است که یک نفر دائم استغفرالله می گفت. حضرت فرمودند این چه حرفی است تو می زنی؟ توبه شش تا چه دارد و نمی خواهیم اینها را عرض کنیم. همین دوتا اصل اولیه است. همین الان که ما اینجا نشسته ایم یکی از کارهایمان را در نظر بگیریم و بگوییم خدایا من غلط کردم. دیگر این کار را نمی کنم. پشیمانی و ترک گناه. این توبه ات قبول است. این جبران درجه پایین است. اگر یک کسی کارهای بالاتر هم کرد [خیلی بهتر است]. می گویند اگر یک لقمه حرام خوردی، لقمه حرام خوردی و در بدنت گوشت و پوست و استخوان از حرام رویید، باید یک کاریش بکنی. فرض این است.

قاضی حتی اگر بخواهد حق را هم بگوید، یعنی یک چیزی بگیرد که حق را بگوید هم مشکل پیدا می کند. چه برسد به اینکه بخواهد ناحق بگوید. اما این پول های دیگر ولو اینکه ممکن است از لحاظ شرعی نامش رشوه نباشد، اما حرام است. با این پول ها. مثالش این است. ما اصطلاح اختلاص را داریم. نمی دانم. از همین چیزهایی که در زمان ما رایج شده است. مال مردم است.

اگر گوشت و پوست و استخوان بدن آدم با پول حرام رشد کند، می گویند چاره ای ندارد جز اینکه آتش جهنم این پوست و گوشت و استخوان را بسوزاند. یا اینکه خودت حل کنی. مال مردم را پس بدهی. وقتی من به شما بدهکار شدم و پول شما را بردم، حالا گرفتم و اختلاس کردم و رشوه گرفتم ... وقتی پول را به شما برگرداندم و از شما رضایت گرفتم حل شد دیگر. مثلا بعضی آقایان مراجع می گویند اگر شما با پول خمس نداده یک جنسی را بخری، یک پنجم از این جنس مال تو نیست. یا پول خودت نخریدی. این پول خمس است. آن وقت اگر بعد رفتی و مثلا با مرجعت مشکلات را حل کردی، خب آن وقت حلال می شود.

حالا ان شاء الله شب های دیگر درمورد اینکه لقمه حرام چه بلایی سر آدم خواهد آورد عرض خواهیم کرد. وقتی ایشان دارد دعا می خواند، یک دقیقه دل تان را به دعا بدهید. ببینید من دارم با شما صحبت می کنم. دارم ده جا را هم نگاه می کنم. نشد که. وقتی من دارم دعا می کنم، دارم با خدای متعال صحبت می کنم. دارم با خدا صحبت می کنم. یک دقیقه دل مان را بدهیم. به

یک دقیقه دل به دعا دادن، یک مرتبه کار درست می شود. یک دعا مستجاب می شود. یک سرنوشت عوض می شود. یک سعادت برای شما می نویسند. یک دقیقه دل تان برود پیش خدا.

اگر یک قطره اشک بریزید می بخشند. یک قطره اشک برای امام حسین خیلی زور دارد. خیلی قوت دارد. خیلی اثر دارد. اما نه اینکه من مال مردم بخورم و ده جور دروغ و غیبت و تهمت دارم. صد جور به مردم ظلم می کنم و بعد هم. نه. این هیچی نمی شود. سالی ده بار هم به زیارت کربلا بروم به درد نمی خورد. باید آنها را درست کنی.